



مولفه های بعد هویتی و معنایی کالبدی ابنیه تاریخی

ابوالفضل نجفی

کارشناسی ارشد معماری

abool.najafi@gmail.com

چکیده

میراث جهانی، با توجه به اصالت و تمامیت خود از ارزش های برجسته جهانی بهره می برند و توجه به آنها با اهدافی همراه است. شاخصه هایی در حوزه ارزش گذاری بناهای تاریخی با توجه به هدف گزاریهای ثبت جهانی به دست آمد تا بتوان با استفاده از آنها در حوزه مرمت بافت های شهری کشورمان، گام هایی در راستای تطبیق این معیارها با روشهای مرمتی، حفاظتی و توسعه ای بافت های کهن شهری برداشت. هرچند ارائه معیارهای پیشنهادی ثبت اثر با توجه به عوامل زمان و مکان در کشور های مختلف متفاوت است. هدف از پژوهش حاضر بررسی مولفه های بعد هویتی و معنایی کالبدی ابنیه تاریخی می باشد. روش تحقیق توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای می باشد. ثبت میراث بر جای مانده از گذشتگان در مطالعه تاریخ بشر مؤثر هستند. حفظ آن ها نیازهای گذشتگان را بازگو می کند و در پس هر یک داستانی نهفته است. از دیدگاهی دیگر حفظ آثار می تواند به اعتبارسنجی خاطرات گذشتگان کمک کند. هر اثر فرهنگی و طبیعی برای این که به عنوان میراث جهانی انتخاب شود بایستی ویژگی هایی داشته باشد. این شرایط به طور منظم توسط کمیته ای در کمیسیون، مورد اصلاح و تجدید نظر قرار می گیرد. نتایج نشان داد به دنبال توسعه و تغییرات کمی و کیفی جوامع که سبب تغییرات اساسی در محیط های تاریخی گردیده اند، مفهوم اصالت و حفظ آنها در راستای برقراری تعادل میان رویکردهای حفاظت و توسعه مورد توجه واقع شده است. توسعه های جدید به هر میزان که با جوهره و اصالت میراث همخوانی و سازگاری بیشتری داشته باشند در تعادل و یکپارچگی بیشتر با حفاظت خواهند بود و اثر میراثی اصیل تر و منسجم تر می گردد.

کلمات کلیدی: محیط های تاریخی، مولفه های هویتی، مولفه های کالبدی، ثبت میراث



مقدمه

در ماده یک قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، میراث فرهنگی "میراث فرهنگی شامل آثار باقی مانده از گذشتگان است که نشانگر حرکت انسان در طول تاریخ می باشد و با شناسایی آن زمینه شناخت هویت و خط حرکت فرهنگی او میسر می گردد و از این طریق زمینه های عبرت برای انسان فراهم می آید (صمدی، ۱۳۸۳: ۸۳). میراث فرهنگی به عنوان یک پدیده اجتماعی جنبه جبری و تحمیلی بر محیط اجتماعی و زندگی انسان ها دارد، به طوری که عده ای در تعریف آن، نتیجه این رفتار تعاملی را در یک نگاه، "میراث فرهنگی" می گویند و یک بعد این تعریف، زمان این تعامل است. از همین روی، صد سال پیش میراث فرهنگی کشور را پدیده های بشری تا پایان دوره زندیه می دانستند؛ بعدتر آن چه را تا پایان دوره قاجاریه با عمر بیش از ۸۸ سال بود، به عنوان میراث فرهنگی قلمداد کردند. هم اکنون نیز برخی بر این باورند که برخی رفتارهای دوره جدید که به نوعی ریشه در رفتارهای تعاملی که در طول هزاران سال پیش شکل گرفته اند دارد، می تواند در حوزه میراث فرهنگی بشمار آید (کارکنان، ۱۳۹۰: ۴۷). تعریف اصطلاحات "فرهنگ" و "میراث گذشتگان" از ۳۶ سال پیش که یونسکو کنوانسیون در حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان به تصویب رساند، در سراسر جهان تقریباً یکسان شده است. سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) با اندیشه دستیابی به ارزش های برجسته انسانی در سال ۱۹۷۲ معاهده حفاظت و نگهداری از میراث طبیعی و فرهنگی جهان را ایجاد کرد. اکنون تعریف کنوانسیون در حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان ۱۶ نوامبر ۱۹۷۶ به عنوان قراردادی جهانی پذیرفته شده است.

برای آن که درک شایسته ای نسبت به موضوع میراث فرهنگی داشته باشیم. ضروری است در وهله نخست به شناخت و بررسی ویژگی ها و مولفه های مفهوم میراث فرهنگی بپردازیم. بدیهی است که بدون توجه به عناصر تشکیل دهنده میراث فرهنگی، دستیابی به مفهومی کامل و درست از آن غیر ممکن بوده و یا نتیجه درستی در بر نخواهد داشت. لذا ضروری است تا با عناصر آن آشنا شده حدود و صغور مرزهای مفهومی را بشناسیم و به تعریفی جامع و مانع از میراث فرهنگی دست یابیم. در این خصوص سه ویژگی به عنوان مولفه های شناخت مفهوم میراث فرهنگی، مطرح شده است (شایسته، ۱۳۸۰: ۸۰).

اولین ویژگی میراث فرهنگی، موجود بودن آن است. این ویژگی بدان معناست که برای صدق عنوان میراث فرهنگی به اثری، می بایست آن اثر در زمان کنونی موجود باشد. از آنجا که طبعاً تمامی آثار فرهنگی نمی توانند در طول زمان باقی بمانند، موجود بودن آن، به عنوان یکی از ویژگی های اصلی میراث فرهنگی تلقی شده و اهمیت دارد. بدین ترتیب برای آن که بتوان شی یا اثری را متصف به وصف فرهنگی نمود، می بایست آن شی یا اثر در زمان مورد حمایت، موجود و در اختیار باشد. در این خصوص تفاوتی نمی کند که این اثر یک بنا و ساختمان بوده و یا یک گویش محلی باشد. (صمدی، ۱۳۸۳: ۸۳)

ویژگی دیگری که برای میراث فرهنگی می باید در نظر گرفت، دیرینگی یا قدمت آن اثر است. در خصوص این که دیرینگی یک اثر به چه معناست و چه معیاری برای آن می توان تعیین کرد، وحدت نظری نمی توان یافت. در پاره ای از قوانین، معیار تعیین تاریخی مشخص است که بر اساس آن قانونگذار زمان مشخصی را معین می کند و کلیه آثار فرهنگی تا آن تاریخ را در زمره میراث فرهنگی تلقی نموده و آثار پس از آن را از این حمایت خارج می کند. این شیوه که می توان نام آن را شیوه کمی نامید، در قوانین



پیش از انقلاب، به اجرا در آمده بود. به موجب ماده اول قانون عتیقات مصوب ۱۳۱۶، کلیه آثار و ابنیه تا پایان دوره زندیه اعم از آثار منقول و غیر منقول، جزو آثار ملی محسوب می شوند. این شیوه تعیین معیار که متعلق به قرن گذشته است، در حال حاضر متروک شده و کمتر مورد استفاده قرار می گیرد.

سومین و مهمترین ویژگی میراث فرهنگی را باید دارا بودن یک پیام انسانی در دل آن شی یا اثر فرهنگی دانست. در واقع این ویژگی را باید قلب تپنده و عنصر معنوی مفهوم میراث فرهنگی به شمار آورد که هدف غایی از مطالعه و حمایت از موضوع میراث فرهنگی را با خود دارد. همان طور که گفته شد، میراث فرهنگی نتیجه و ثمره نوآوری ها، مهارت ها، دانش ها، تجربه های عملی و برداشت های فکری و عقیدتی مردمان اعصار گذشته است که با گذر از پیچ و خم تاریخ به دست ما رسیده است. طبیعتاً نتایج این فرآورده های انسانی در قالب سنگ نوشته ها، بناها و ساختمان های تاریخی، آداب و سنن قومی، گویش ها و سلوک مردمان آن جامعه تبلور یافته و قابلیت بیان آن مفاهیم را دارد و در طرف مقابل، هر بیننده و پژوهشگری با مشاهده و تفحص در این آثار، امکان دریافت آن پیام را به دست می آورد. (صمدی، ۱۳۸۳: ۸۶)

به دیگر سخن، هدف و غایت مطالعه و حمایت از میراث فرهنگی، درک و دریافت پیامی است که از افراد و جوامع انسانی، در طول تاریخ بشری در قالب های گوناگون عرضه شده و این آثار از گزند باد و باران در امان مانده و به دست ما رسیده است. افراد و مردمان در هر نسل بشری با مشاهده آثار به جا مانده از نیاکان خود، علاوه بر احساس غرور و سربلندی و حس هویت بخشی ناشی از این آثار، با بهره گیری از پیام نهفته در میراث فرهنگی، یاد می گیرند که آینده خود را چگونه بسازند. با توجه به مطالب ذکر شده هدف از پژوهش حاضر مولفه های بعد هویتی و معنایی کالبدی ابنیه تاریخی می باشد.

مولفه های هویتی بعد کالبدی ابنیه تاریخی

۱. الگوی مردم واری

مردم واری یعنی داشتن مقیاس انسانی به عبارت دیگر رعایت تناسب میان اندام های ساختمانی با اندام های انسان و توجه به نیازهای اودر کار ساختمان سازی است، و آن را می توان در عناصر مختلف معماری ایران مشاهده کرد. به طور مثال اگر سه دری را که همان اتاق خواب است، در نظر بگیریم، اندازه آن بر حسب نیازهای مختلف یک زن و مرد، بچه یا بچه های آنها، لوازم مورد نیاز و ... در نظر گرفته شده است. به طوری که عملکرد اتاق و طرز قرارگیری عناصری چون درها، روزنه ها و ... نیز بر همین اساس و به دقت انتخاب شده است. جهت قراردادن وسایل مثل تشک، لحاف و ... بستویی می ساخته و برای وسایل ضروری نیز طاقچه هایی تعبیه می شده است. در دیگر عناصر نیز این تلفیق، منطقی و زیبایی مشاهده می شود. به طور مثال برای جلوگیری از گزند گرمای زیاد ایران، دیوار را دو پوسته می ساختند و یا نور را از سقف می گرفتند (پیرنیا، ۱۳۸۳: ص ۱۲۸).



۲. پرهیز از بیهودگی

بر این تأکید فراوانی شده است، زیرا کار بیهوده علاوه بر سرمایه. به وقت و حتی به چشم از دیدگاه معماری لطمه می زند، و در واقع هنرمندان ما در هر زمانی، متوجه این مورد بوده اند و از آن پرهیز کرده اند. نصب مجسمه ها که در اغلب بناهای سرزمین های دیگر معمول است، در معماری ایرانی وجود ندارد. زیرا مورد استفاده ای برای آن نیست. (پیرنیا، ۱۳۸۳:ص ۱۲۹)

۳. نیارش

اصطلاحی است در معماری و به کلیه کارهایی اطلاق می شود که برای ایستایی و پایداری بنا انجام می گیرد. به عبارت دیگر، نیارش مجموع های است از امور محاسباتی و استاتیکی به انضمام مصالح شناسی و انتخاب و استفاده از مناسبترین و کمترین مصالح. در گذشته بیشتر تکیه معماران بر مهندسی بوده است و به نظر آنان هنگامی بنا زیبا بوده که از لحاظ ایستایی نیز نمایانگر ایستا بودن خود باشد. از مقیاسی به نام پیمون در نیارش استفاده می شده است. پیمون یکی از ضوابطی بود که برای تعیین تناسب بین اجزای بنا رعایت می شد. به عنوان مثال قطر دیوار یک اتاق دو پنجم اندازه دهانه محاسبه می شد. به این ترتیب یک معمار بزرگ در ساخت یک بنای عالی و یک معمار گمنام در ساخت یک بنای عادی از یک اندازه و مقیاس استفاده می کردند. پیمون بدین صورت در معماری تنوع ایجاد کرده، و به همین دلیل در هیچکدام از بناها اثری از تقلید مطلق مشاهده نمی شود هر بنا شامل دنیایی از نکات مخصوص خود است. با استفاده از نیارش و پیمون، سه مرحله مهم طرح، محاسبه و اجرا به بهترین نحو انجام می یافت. به طوری که در طرح زیبا، محاسبات صحیح و اجرا نیز ساده می شد. (پیرنیا، ۱۳۸۳:ص ۱۴۰)

۴. خودبسندهی

معماران ایرانی بر این باور بودند که ساختمان باید «ایدی» (اینجایی) یا «بوم آورد» باشد یکی از نکات مهم در معماری ایران این است که اساساً یکی از انگیزه های بنیادی در ساخت آسمانه خمیده تاقی و گنبدی و بهره گیری گسترده از آنها، این بوده که چوب مناسب برای ساختمان سازی در همه جا یافت نمی شده است. ولی فرآوردن خشت و آجر ساده بود

۵. درونگرایی

در ساخت یک بنا و نحوه ارتباط آن با فضای خارج در کل می توانیم دو حالت داشته باشیم در حالت اول، بنا به صورتی است که از داخل آن بتوان مستقیماً با فضای بیرون ارتباط برقرار کرد، مثل آنچه در اکثر خانه ها در غرب یا شرق آسیا مثل ژاپن و ... ساخته می شده است. این نوع بناها در ایران «کوشک» نامیده می شود. حتی اگر دورتادور این بنا را نیز حیاط فراگرفته باشد، باز به بنای «برونگرا» مصطلح است. در شرق و غرب کشور ایران مثل کشورهای اندونزی و هند بناهای مسکونی به این صورت ساخته شده است. در خود ایران نیز در کردستان و لرستان خانه های برونگرا، که شامل چند اتاق و احتمالاً ایوانهایی است، ساخته می شود.

اما به دلیل وضع جغرافیایی خاص بسیاری از مناطق ایران، یعنی خشکی، بادهای مختلف، شنهای روان و ... امکان ساخت بناهای برونگرا نبوده است. معمار بوسیله درونگرایی و قرار دادن اندامهای معماری و ساخت دیوارهای خارجی، ارتباط مستقیم بنا را با



فضای خا رج در درون خود با عنصری به نام حیاط میسر می کند . در داخل این فضا در طول تاریخ معماری ایران ، معماران ، بهشتی را در دل خشکی ساخته اند . فضای درونگرا مثل آغوش گرم بسته است و از هر سو توجه به فضای داخلی معطوف است .

اصولاً در شکل گیری فضاهای مختلف و بخصوص فضا های مسکونی ، مسائل اعتقادی و خاص ایرانیان تأثیرگذار بوده است . یکی از آن خصوصیات ، احترام به زندگی خصوصی و حرمت قائل شدن برای آن است . دیگر عزت نفس ایرانیان است که این مورد نیز به نحوی در شکل فضاهای یک خانه درونگرا تأثیرگذار بوده است

مؤلفه های بعد معنایی ابنیه با ارزش تاریخی

مؤلفه های مؤثر به منظور ارزیابی مفهوم اصالت در حوزه میراث فرهنگی را می توان در سه گروه اصلی دسته بندی نمود:

نخست، اصالت در ارتباط با همه ویژگی های ممکن مورد بررسی قرار گیرد؛

دوم، اصالت در رابطه با مجموعه ای از ویژگی های انتخاب شده اثر مورد بررسی قرار گیرد هر چند که اختلاف نظرهایی میان صاحب نظران در این زمینه وجود دارد لیکن برخی از آنها همچون ناتالی دوشکینا به منظور حل این مشکل روشی فی ما بین را انتخاب نموده است که بین ارزیابی همه جانبه با ارزیابی جزئینگر ارتباط برقرار نموده است . البته به طور دقیق مشخص نیست که باید همه ویژگی هایی که حامل اصالت اثر هستند مورد بررسی قرار گیرند یا برخورد به صورت گزینشی باشد، این موضوع بیانگر نسبت مفهوم اصالت در بسترهای فرهنگی گوناگون است . بر این اساس ممکن است کلیه ویژگی های اثر و کلیت آن نشانگر اصالت اثر نباشند و به صورت بخشی بیانگر این مفهوم باشند نه کل یکپارچه و هر یک از اجزاء نیز ممکن است حامل بخشی از شاخص های اصالت باشند نه همه آنها از این رو، اصالت مفهومی نسبی تلقی می گردد نه مطلق -در حالی که برخی از کشورها اصالت را به صورت مفهومی مطلق می پندارند که باید در همه بخش ها و ویژگی های اثر با تمام شاخص های اصالت قابل ارزیابی باشند و به عکس برخی نگاه بخشی و جزء نگر نسبت به مفهوم اصالت دارند و آن را نسبی می پندارند . از این رو، یافتن روشی یکسان که در همه کشورها به یک صورت مؤلفه اصالت را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند، شکست خورده است (Stovel, ۲۰۰۷, ۷۵)

سوم، شناخت اصالت از نظر ابعاد مادی و ساختاری به صورت تنگاتنگی با بعد بیانی اصالت مرتبط می باشد. به عبارتی بعد بیانی و غیرمادی اصالت با بعد مادی و یا فرآیند شکل گیری شهر در طول زمان مرتبط است. تعاریف و دسته بندی های ارائه شده توسط زانچتی و همکارانش ضمن تأکید بر جنبه ناملموس در کنار جنبه ملموس، ابعاد تغییر و تداوم را در کنار ثبات در رابطه با تبیین مفهوم اصالت در شهر معرفی نموده اند. (ون بالن، ۲۰۰۸، ۴۰)، از طریق پیشنهاد چارچوبی مفهومی با عنوان نارا گرید مبتنی بر توصیه های منشور نارا در راستای کاربردی نمودن مفهوم اصالت گام موثری برداشته است، تا از رهگذر آن بازشناخت ابعاد و جنبه های متفاوت ارزش های آثار میراثی میسر گردد. کاربرد نارا گرید در سایت های مختلف نشانگر آن است که می توان این ساختار را با سایر ساختارها و چارچو بهایی که برای بازشناخت اصالت در دولت های محلی به کار می رود ترکیب نموده و به ساختارهایی جدید دست یافت. راین اساس نارا گرید می تواند به عنوان زمینه ای برای بازشناخت ارزش و معنای مکان به کار رود به گونه ای



هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

که سایر چارچوب ها بر آن منطبق گردند (Van Balen، ۲۰۰۸، ۴۵). البته این بدان معنا نیست که این روش می تواند به عنوان ابزاری کمی به منظور اندازه گیری اصالت به کار رود». چارچوب پیشنهادی نارا گرید گامی دیگر در راستای توجه به جنبه های ناملموس اصالت در کنار جنبه های ملموس آن به شمار می آید. اندرو و با گی مفهوم اصالت را در رابطه با منظرهای فرهنگی بومی تبیین نموده اند. آنها اصالت را به معنای حفاظت از ذات حقیقی مکان می دانند و تداوم را در مردم، اجتماعات و منظرهای فرهنگی می یابند (Buggery، ۲۰۰۸، ۶۸).

بر اساس چارچوب ارائه شده، تأکید ویژه ای بر نقش مفهوم اهمیت معنایی شده است، اهمیت معنایی به عنوان سنگ محک برای شناسایی ویژگی های کلیدی منظر است.

جدول ۱: چارچوب عمومی برای سنجش و حفظ اصالت منظرهای فرهنگی. مأخذ: (Mitchell، ۲۰۰۸، ۲۶).

تعریف	ارزیابی	استراتژی مدیریت
<p>-حفاظت، حمایت و پایایی (حفظ) ویژگی های مهم خصوصیات و فرآیندهای فیزیکی، ملموس و ناملموس -در آینده.</p> <p>-مرور مداوم، ارزیابی دوباره، سازگاری و نوآوری در پاسخ به سنجش اصالت و اهمیت معنایی و تغییرات در بستر اجتماعی.</p>	<p>- شناسایی ویژگی های آثار - خصوصیات و فرآیندهای فیزیکی، ملموس و ناملموس - که مرتبط با اهمیت معنایی است.</p> <p>- ارزیابی اصالت اثر - یا توانایی ویژگی های آن به منظور بیان ارزش، معنا و اهمیت معنایی اثر.</p>	<p>- تعریف و تبیین اهمیت معنایی، معنا و ارزش های چندگانه آثار.</p> <p>- پایش تعریف اهمیت معنایی، معنا و ارزش در گذر زمان.</p> <p>- انطباق (سازگاری) مستمر که تعریف اهمیت معنایی، معنا و ارزش در پاسخ به تغییر زمینه اجتماعی.</p>

ویژگی هاو فرآیندهای فیزیکی، ملموس و ناملموس که در اهمیت معنایی اثر نمود و بروز یافت هاند. اهمیت معنایی منظر باید در گذر زمان به واسطه طرح، خلاقیت و استراتژی های مدیریتی حفظ و پایا گردد (جدول ۱) بر اساس موارد مطرح شده مفهوم اصالت در منظر فرهنگی از دیدگاه نورا میتچل بر جنبه ناملموس در کنار ملموس به صورت یکپارچه و ابعاد تغییر و تداوم با تأکید بر اهمیت معنایی مکان در گذر زمان دارد. جدول (۲) به اختصار به بررسی و دسته بندی دیدگاه های صاحب نظران پیرامون مفهوم اصالت در میراث فرهنگی می پردازد.



هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

شماره	نام نظریه پرداز	سال	نکات اصلی نظریه
۱	اسطول	۲۰۰۷	<p>اسکات در ارتباط با همه ویژگی‌های مکان مورد بررسی قرار گرفت</p> <p>اسکات در رابطه با مجموعه‌ای از ویژگی‌های انتخاب شده اثر مورد بررسی قرار گرفت</p> <p>برابری عادل میان رویکردهای بزرگتر و کوچکتر با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی بستن</p> <p>مؤلفه‌های تبیین کننده مفهوم اسکات از دیدگاه اسطول (۲۰۰۷) منطبق بر تعریف ارائه شده تاتالی دوشاکتا (۱۹۹۵)</p>
۲	یوگلیتو	۲۰۰۷	<p>اسکات اثر را از نظر درگیری مواد و مصالح، تحول، پدیده‌های تاریخی و مستندات مربوط به پدیده‌های ساخت و تکمیل اثر از گذشته تا به امروز مورد بررسی قرار می‌دهد</p> <p>مستداهای رند، ظاهرهای جسمی و ارزش‌های اجتماعی، زمینه و جامعه مورد شناسایی و سنجش قرار می‌گیرد</p> <p>مفاهیمی تعریفی بین اثر یا سایر محصولات مشابه تولید شده در همان منطقه فرهنگی و در دوره زمانی مشابه صورت می‌پذیرد اسکات در کیفیت اثر بررسی می‌شود و آن را به شاخص‌های مدل می‌کشد</p> <p>مؤلفه‌های تبیین کننده مفهوم اسکات در حوزه میراث فرهنگی منطبق بر تعریف ارائه شده توسط یوگلیتو (۲۰۰۷)</p>
۳	ون بیان	۲۰۰۸	<p>عربی، تاریخی، اجتماعی، علمی</p> <p>فرموطراحی، مواد و مصالح، سازه فن و مهارت‌های استادکارانه، مکان و سبک فرازگویی، روح و احساس</p> <p>مؤلفه‌های مؤثر به منظور ارزیابی مفهوم اسکات بر اساس بازگویی منطبق بر دستورالعمل ارائه شده توسط ون بیان (۲۰۰۸)</p>
۴	اندرو و باگی	۲۰۰۸	<p>جنبه‌های ملموس، شواهد مادی، یکپارچگی فرهنگی، ارزش‌های استثنایی (استادکارانه)، مؤلفه‌های زنده و غیر زنده محیط</p> <p>سازندهای عقیدتی، مفاهیم مرتبط با زمین زمان و حرکت، مستداهای نظامی، زندگی و فعالیت‌های روزمره، ارتباطات فرهنگی یا طبیعت دانش و تجربیات مرتبط با طبیعت و جهان، هنر، شواهد منطبق بر ابداع زندگی جسمی و ...</p> <p>مؤلفه‌های مؤثر به منظور ارزیابی مفهوم اسکات در منظر فرهنگی بوس منطبق بر تعریف ارائه شده توسط اندرو و باگی (۲۰۰۸)</p>
۵	آرنوز	۲۰۰۸	<p>این بعد که بیشتر بر نظریه‌های پیشین اسکات استوار است شامل مصالح، طراحی، مهارت‌های استادکارانه و سبک می‌باشد (جنبه‌های ملموس میراث)</p> <p>این بعد که بیشتر بر نظریه‌های نوین اسکات استوار است شامل ارزش‌ها و مفاهیم، ویژه، قدرت‌های ملوک الطبقه در میراث، روح مکان (به ویژه در منظرهای طبیعی) می‌باشد (جنبه‌های ناملموس میراث)</p> <p>مؤلفه‌های مؤثر به منظور ارزیابی مفهوم اسکات در منظر شهری تاریخی منطبق بر تعریف ارائه شده توسط آرنوز (۲۰۰۸)</p>
۶	رسلر	۲۰۰۸	<p>توجه به معیار یکپارچگی بصوری، عملکردی و ساختاری در کنار اسکات به منظور حفاظت و ارزیابی میراث مکان مقایسه به ویژه منظرهای فرهنگی</p> <p>در پارچوب راهنمای ملی ۲۰۰۵ کمیسیون میراث فرهنگی و طبیعی جهان، کمی مهم در راستای تقویت ارتباط بین نظام‌های اسکات و یکپارچگی و ارزش در سایت‌های میراث جهانی برکنانه شده است</p> <p>مؤلفه‌های مؤثر به منظور حفاظت میراث به ویژه منظر فرهنگی منطبق بر تعریف ارائه شده توسط رسلر (۲۰۰۸)</p>
۷	میتچل	۲۰۰۸	<p>اسکات، مفاهیم، وسیع تر از یکپارچگی مادی است اسکات منظرهای فرهنگی اثرات متقابل ارزش‌های ملموس و ناملموس را به نمایش می‌گذارد</p> <p>مفهوم اسکات در طول زمان تکامل یافته است و این تکامل تلازم خواهد داشت از این دو برآمده‌ریزی و مدیریت منظرهای فرهنگی باستانی میراث منظر را در پارچوب زمانی بلد سادت در نظر نگردد</p> <p>تعمیرات ارزیابی و باستانی اهمیت معنایی، معنا و ارزش در پاسخ به تغییرات سبک اجتماعی یا دیگر پویایی اسکات در منظرهای فرهنگی است</p> <p>اهمیت معنایی به عنوان سنگ بنه برای شناسایی ویژگی‌های کلیدی منظر است که باید در کنار زمان به واسطه استراتژی‌های مدیریتی حفظ و پایداری گردد</p> <p>مؤلفه‌های مؤثر به منظور ارزیابی مفهوم اسکات در منظر فرهنگی منطبق بر تعریف ارائه شده توسط میتچل (۲۰۰۸)</p>
۸	زاجینی و دیگران	۲۰۰۹	<p>شهرها از نظر تعداد ملموس متشکل از قطعات هستند که باستانی اصلی باشند، بنابراین اسکات کلید شهر به لحاظ مادی وابسته به اسکات اجزای تشکیل دهنده آن است</p> <p>این بعد از اسکات به فرآیند و مهارت‌هایی که در گذشته وجود داشته و یا زمان حال ادامه دارند یا مهارت‌هایی که در گذشته موجود بوده و در حال حاضر نیز می‌توانند از سر گرفته شوند اشاره دارد</p> <p>بعد مادی و غیرمادی اسکات به بعد مادی یا فرآیند شکل‌گیری شهر در طول زمان مرتبط است</p> <p>مؤلفه‌های تبیین کننده مفهوم اسکات بر شهر منطبق بر تعریف ارائه شده توسط زاجینی و دیگران (۲۰۰۹)</p>

دول ۲: تبیین و بازشناسی ارزش‌های موجود در بعد معنایی اثر تاریخی ماخذ: (نگارنده)



در نگاهی کلی می توان دو نوع ارزش برای آثار متصوّر شد. یکی ارزش های ذاتی و درونی، آن دسته از ارزش شهبایی است که با خلق اثر زاده می شوند و در زمان حال قابل ارزیابی هستند. تمامی جنبه های وجودی اثر از قبیل زیبایی شناسی، کاربری اولیه، هویت فرهنگی و عملکردی، تکنیک ساخت و... در این دسته قرار می گیرند.

دیگری، ارزش های اکتسابی، آن دسته از ارزش شها را شامل می شود که آثار در طول حیات خویش، بدان دست می آیند. دیرینگی بنا، شکل دادن به خاطرات گروهی، دربر داشتن رویدادهای مهم تاریخی، ارتباط آثار با محیط شک لگیری و هماهنگی با محیط، در زمره ارزش های اکتسابی محسوب می شوند. در این باره در نگاهی جزئی نگر، می توان موارد زیر را برشمرد:

ارزش زیبای شناسی

مقصود از زیبایی در اینجا به معنای نسبی آن نیست، بلکه به جنبه فنی و کارشناسانه آن است که در سه مقیاس حجم، نما و طرح قابل بررسی است. آن چه به عنوان زیبایی اثر مورد نظر است، خلاقیت در طراحی، نوآوری و عدم تکرار، کارایی (به معنای پاسخگویی به نیازهای کارفرما) و از همه مهم تر جذاب بودن آن است. (فیلدن و یوکیلتو، ۱۳۸۶، ۷۸).

ارزش اصالت

اصالت، جنبه ای مهم در ارزیابی ذخایر میراث فرهنگی است؛ بدین معنی که کالبد اثر باید نشا ندهنده مراحل مهم ساخت و بهره برداری از آن در خط سیر تاریخی اثر باشد. اصالت زمانی به اثر نسبت داده می شود که در چهار بُعد طراحی، مصالح به کار رفته، مهارت ها و کیفیت استقرار قابل نقد باشد (فیلدن و یوکیلتو، ۱۳۸۶). مقصود از طراحی، نحوه پاسخگویی معمار به نیازی است که منجر به شکل گیری اثر شده است (هیدالو هزاره هشتم، ۱۳۸۷) سیر تحولات تاریخی و الحاقات به اثر، چنانچه در مسیری درست باشد، به اصالت اثر خدشه ای وارد نمی کند. مسجد جامع اصفهان مثالی است که در خود نشانی از هر دوره تاریخی گوناگون را دارد، بی آنکه از اصالتش کاسته شود. میزان دست نخورده بودن مصالح اولیه اثر، ملاک سنجش ارزش مصالح به کار رفته محسوب می شود. باید توجه داشت که مداخله های تاریخی چنانچه ارزش های مربوط به عصر خود را دارا باشند، ب هدلیل روایت تاریخی خود، به ارزش آن خواهند افزود. (صفا منش و منادیزاده، ۱۳۸۲، ۹۸)

به کارگیری فن آوری و مهارت های مربوط به دوره های تاریخی اثر، در پاسخگویی به نیازها است. ملاک سنجش ارزش مهارت ها و کیفیت استقرار اثر به واسطه نحوه استقرار آن در محیط و میزان هماهنگی با مکان شکل گیری یا مجموعه ای است که در آن واقع شده است (صفا منش، ۱۳۸۵، ۲۵) به بیانی دیگر، میزان تأثیرپذیری (هماهنگ شدن با محیط) و تأثیرگذاری (هماهنگ سازی محیط). (صفا منش و منادیزاده، ۱۳۸۲، ۹۸)



در خصوص ارزش مهارت و تکنیک های ساخت می توان بیان کرد که

هر کالبد معماری که بازگوکننده جلوه ای از اعتقادات مذهبی، باورهای ماوراءالطبیعه (معنوی)، تداعی کننده رویداد یا یادآوری شخصی مهم و نمادی از سنت دیرینه قومی ملی (با دامنه ای از نمادهای طبیعی تا نیایشگاه ها) باشد، آن اثر را دارای ارزش اعتقادی می شناسیم (صفامنش و منادیزاده، ۱۳۸۲، ۹۸).

از سوی دیگر ارزش احساسی، آن دسته از ارزش هایی را شامل می شود که قابلیت برانگیختن احساسی را در بیننده داشته باشد. این حس می تواند با تحریک حس ملی گرایی و ارتباطات قومی یا پیوند با گذشته عمل کند، یادآور شکوه و غرور ملی باشد و اجتماع های انسانی را به هم نزدیک کند. هم چنین می تواند تداعی کننده تلاش و عزمی ملی (به طور مثال ملّ یشدن صنعت نفت) باشد یا بین نسلهای مختلف هم چون پل ارتباطی عمل کند. از این رو، در زمره مهم ترین ارزش ها محسوب می شود و به مدیریت قوی برای ممانعت از اتلاف استعداد و کنترل آن در حوزه عملکردی اش نیازمند است (صفامنش و منادیزاده، ۱۳۸۲، ۹۸).

در خصوص ارزش هویت، شاخه ای از ارزش احساسی است که فصل مشترک اجتماع انسانی هر محدوده و مختصات خاص جغرافیایی به شمار می رود. این ارزش ها را می توان به عنوان مرز جداکننده قومیت ها و ملیت ها محسوب کرد. گویش ها، آداب و رسوم محلی، عزاداری ها، شادی ها، پوشاک و طریقه زندگی در این دسته قرار می گیرند. (صفامنش و منادیزاده، ۱۳۸۲، ۹۸)

در زمینه ارزش علمی، دامنه وسیعی از علوم از قبیل حفاظت آثار، باستان شناسی، تاریخ، علوم انسانی و جامعه شناسی در گرو درک صحیح نسبت به این ارزش است. گاه می توان از روی آثار و بقایای ویرانه ها، به آداب و رسوم، جهان بینی، پیشرفت های علمی و فنی، علل انحطاط و بقای آن قوم پی برد. (صفامنش و منادیزاده، ۱۳۸۲، ۹۸)

در خصوص ارزش خاص بودن، خاص بودن (خصیصه ذاتی) را باید از نادر بودن (خصیصه اکتسابی) جدا دانست که نه فقط در عصر حاضر، بلکه در اعصار بعدی نیز منحصر به فرد خواهند ماند. (صفامنش و منادیزاده، ۱۳۸۲، ۹۸). ارزش نادر بودن، در واقع به آثاری اطلاق می شود که از معدود بازمانده های سبک یا دوره ای تاریخی باشند. ارزش کاربردی، متأثر از سابقه تاریخی عملکرد اثر و نحوه بهره برداری انسان از آن در طول زمان است. امکان تداوم این ظرفیت عملکردی تا زمان حاضر، جنبه مثبت کاربردی بودن اثر محسوب می شود (صفامنش و منادیزاده، ۱۳۸۲، ۹۸). ارزش مکانی، آن دسته از ارزش هایی است که به واسطه قرارگیری در موقعیتی خاص، نسبت به مجموعه ای شهری یا نسبت به سایر آثار ارزشمند، به آثار نسبت داده می شوند. قرارگیری در بدنه تاریخی خیابانی که برنامه ای برای بهسازی و احیای آن در نظر گرفته شده است، به منزله ارزش افزوده برای آن خیابان و خود اثر محسوب می شود (صفامنش و منادیزاده، ۱۳۸۲، ۱۰۰). ارزش اقتصادی، امروزه چهارچوب ارزش اقتصادی اشیا و آثار، فقط محدود به مقدار سود حاصل از آن ها نیست. به طور مثال درباره آثار تاریخی، این مقدار می تواند معادل ارزشی باشد که وجود این آثار یا حفاظت از آن ها، ایجاد می کند (هیدالو هزاره هشتم، ۱۳۸۷، ۹۸). ارزش قدمت، تاریخی بودن اثر، فارغ از هر چیزی، موجب برانگیختن احترام عمومی، جلب توجه و کنجکاوی بیننده خواهد شد (صفامنش و منادیزاده، ۱۳۸۲، ۹۸)



نتیجه گیری

یکی از سیاست‌های سازمان میراث فرهنگی ایران به منظور حفاظت از آثار تاریخی، ثبت این آثار در فهرست آثار ملی بوده است. این سیاست ریشه در قانون راجع به حفظ آثار ملی دارد بر اساس ماده دوم از این قانون دولت مکلف است از کلیه آثار ملی ایران که دارای حیثیت تاریخی یا علمی یا صنعتی خاصی می باشند فهرستی ایجاد کند و آثار مکشوفه بعدی را نیز به آن اضافه نماید. در نتیجه این قانون و همچنین قانون ثبت آثار ملی ۱۳۱۲، تعداد زیادی از ابنیه با ارزش کشور در این فهرست ثبت شد که در برخی موارد دولت اقدام به خریداری این آثار نموده و در بسیاری از موارد با حفظ مالکیت شخصی، در زمینه حفظ اثر با مالک همکاری نموده است. ثبت آثار و بناهای تاریخی در فهرست آثار ملی یکی از حرکت‌های جدی و مؤثر در حفظ و حراست تپه ها و ابنیه تاریخی به شمار می رود.

بناهای با ارزش میراثی به عنوان یکی از اجزای پیکره فرهنگی جوامع، می توانند بازگوکننده ظرفیت ها و ویژگی های فرهنگی ما در قالب گردشگری فرهنگی باشد. به طور کلی می توان گفت، توجه و تصویر کشیدن ارزش ها می تواند مبنایی برای تصمیم گیری های مربوط به حوزه گردشگری و میراث فرهنگی باشد. از دیگر سومی توان با اولویت بندی مداخله اجرایی پروژه های گردشگری فرهنگی با شناخت قابلیت های مکان های میراث معماری و شهری با هدف بهبود وضعیت اقتصادی، فرهنگی اجتماعی ساکنان، توسعه و ترویج فرهنگ و هویت بومی و منطقه ای و در جهت حفظ و احیای هویت تاریخی این شهر شاهد تاثیر قابل توجهی بود.

از این رو بناهای توانمند ثبت جهانی و ارزش تاریخی بر اساس توافقنامه های ثبت جهانی یونسکو و میراث فرهنگی هستند که دارای ویژگی ها و الگوهای معماری با ارزش هم در بعد کالبد بنا وهم دارای ارزش اصالت در بعد معنوی باشند. ثبت یک اثر در فهرست میراث جهانی سبب جلب توجه بیشتری از سوی متخصصان و هم از سوی مردم به آن خواهد شد؛ سازمان یونسکو و سایر سازمان های جهانی مرتبط با بناها و یادگارهای تاریخی و فرهنگی نیز کمک های فنی و علمی خود را در صورت نیاز در اختیار کشور صاحب اثر می گذارند. علاوه بر این در سالیان اخیر ثبت میراث معنوی و غیر مادی ملت ها نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا میراث فرهنگی یک کشور تنها به آثار مادی به یادگار مانده از گذشتگان آن محدود نمی شود. فرهنگ معنوی و غیر مادی و جنبه های ذهنی و غیر ملموس جوامع نیز از اهمیت همسان با آثار مادی برخوردارند.

منابع

۱. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۹۰)، آشنایی با معماری اسامی ایران، دانشگاه علم و صنعت، تهران
۲. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۴)، سبک شناسی معماری ایرانی، سروش دانش، تهران.
۳. صمدی (۱۳۹۲) میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین الملل (جلد ۱ و ۲)، تهران، سازمان میراث کشور